

عنوان مقاله:

راز جاودانگی داستان عمو نوروز

محل انتشار:

کنگره بین المللی زبان و ادبیات (سال: 1395)

تعداد صفحات اصل مقاله: 9

نویسنده:

منیره آروین - دانشجوی دکتری زبان و ادبیات انگلیسی، دپارتمان زبان و ادبیات انگلیسی، پردیس البرز، دانشگاه تهران، ایران

خلاصه مقاله:

در فرهنگ و ادب مردمی ایران شاید بتوان گفت پرآوازه ترین افسانه در پیوند با نوروز همان است که آن را با نام افسانه عمو نوروز و یا بابا نوروز میشناسیم. افسانه‌ای که همه ی ایرانیان به گونه‌ای با آن آشناوند، چون در سالیان کودکی آن راز مادران، دایگان یا دیگر افسانه گویان شنیده‌اند. پیداست که عمو نوروز پیری است دیرسال با گیسوان و ریشی انبوه و سپید، ننه سرما هم به همان سال پیرزنی است زمان فرسود. شخصیت‌های عمو نوروز و ننه سرما در روایت‌های کهن و ادبیات شفاهی، نمادی از تغییر و تحول در طبیعت و احوال آدمیان است. این رخداد نشانه ی آن است که سال کهن و روزگار سرما به پایان میرسد تا سالی نو و روزگار گرما، رستاخیز گیتی، باری دیگر آغاز بشود. عمو نوروز و پیر زن هردو پیر هستند، و با وجود اینکه همدیگر را خیلی دوست دارند، و در انتظار دیدن همدیگر لحظه شماری می کنند، هرگز نمی توانند همدیگر را ملاقات کنند. نویسنده ی این مقاله قصد دارد تا با خوانشی دریدایی از داستان عمو نوروز، جلوه های دیگری از زیبایی بی بدیل این افسانه ی پر آوازه ی ایرانی را عیان سازد که بی شک تلاشی در جهت ارایه ی بهتر ظرافت های پنهان و نکات مهجور متن به خوانندگان خواهد بود تا شاید بدین وسیله پرده از راز ماندگاری این اثر کهن بردارد.

کلمات کلیدی:

آستانه، پارادوکس، داستان های عمو نوروز، دلفانوس، راز جاودانگی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/582005>

